

دعای صبح

به نام خدای بخشاینده مهربان

اللَّهُمَّ يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ يَنْطِقُ تَبْلُجِهِ وَسَرَّحَ قِطْعَ اللَّيْلِ

خدایا ای کسی که بیرون کشید زبان صبحدم را به بیان تابناک آن و پراکنده ساخت پاره های شب

الْمُظْلِمِ يَغْيَاهِبِ تَلْجُجِهِ وَآتَقَنَ صُنْعَ الْفَلَكَ الدَّوَّارِ فِي مَقَادِيرِ

تاریک را با آن توده های سیاه سرگردانی که داشت و محکم ساخت ساختمان این چرخ گردون را در اندازه ها

تَبْرِجِهِ وَشَعَشَعَ ضِيَاءَ الشَّمْسِ يُنُورُ تَأْجُجِهِ يَا مَنْ ذَلَّ عَلَى ذَاتِهِ

و گردشهای زیبایش و پرتو افکن ساخت تابش خورشید را با نور فروزان و گرم آن ای که راهنمایی کرد بر خودش

يَذَاتِهِ وَتَنَزَّهَ عَنْ مُجَانَسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ وَجَلَّ عَنْ مُلَائِمَةِ كَيْفِيَّاتِهِ يَا

به خودش و منزّه است از هم جنسی (و مشابهت با) مخلوقاتش و برتر است از سنخیت یا چگونگیهای عالم خلقت ای

مَنْ قَرَّبَ مِنْ خَطَرَاتِ الطُّنُونِ وَبَعَدَ عَنْ لِحَظَاتِ الْعُيُونِ وَعَلِمَ يَمَا

کسی که نزدیک است به گمانهایی که (درباره او) بر دل خطور کند ولی دور است از چشم انداز دیدگان و می داند آنچه را

كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ يَا مَنْ أَرْقَدَنِي فِي مِهَادِ أَمْنِهِ وَأَمَانِهِ وَأَيَّقَنِي

شود پیش از شدنش ای کسی که مرا در گهواره آسایش و امنیت خود به خواب برد و برای استفاده از نعمتها

إِلَى مَا مَنَحَنِي بِهِ مِنْ مَنِينِهِ وَأِحْسَانِهِ وَكَفَّ أَكْفَ السُّوءِ عَنِّي يَبْدِهِ

و بخششهای بیدریغش که به من ارزانی داشته بیدارم کرد و پنجه های بدخواهان را بدست قدرت

وَسُلْطَانِهِ صَلَّى اللَّهُمَّ عَلَى الدَّلِيلِ إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ الْأَلْيَلِ وَالْمَاسِكِ

و سلطنت خویش از من بازداشته درود فرست بر آن راهنمای به سوی تو در شب بسیار تار (جاهلیت) و آن کس که در

مِنْ أَسْبَابِكَ يَحْبُلُ الشَّرْفِ الْأَطْوَلِ وَالنَّاصِعِ الْحَسَبِ فِي ذُرْوَةِ

میان اسباب و وسائل تو بلندترین ریسمان شرف را گرفت و آن کس که حسب پاک و خالصش بر بلندترین

الْكَاهِلِ الْأَعْبَلِ وَالثَّابِتِ الْقَدَمِ عَلَى زَحَالِفِهَا فِي الزَّمَنِ الْأَوَّلِ

شانه های مردان عالم قرار داشت و آن ثابت قدم بر روی لغزشگاهها در آن زمان پیشین

وَعَلَى إِلَيْهِ الْأَخْيَارِ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَبْرَارِ وَافْتَحِ اللَّهُمَّ لَنَا مَصَارِعَ

و بر خاندان نیکوکار برگزیده خوش کردارش و بگشا برای ما خدایا لنگه های در

الصَّبَاحِ يَمَفَاتِيحِ الرَّحْمَةِ وَالْفَلَاحِ وَالْإِسْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَفْضَلِ خَلْعِ

بامدادان را به کلیدهای رحمت و رستگاری و بیوشانم خدایا از بهترین خلعتهای

الْهُدَايَةِ وَالصَّلَاحِ وَأَعْرِسِ اللَّهُمَّ يَعَظَمَتِكَ فِي شِرْبِ جَنَانِي

هدایت و شایستگی و بجوشان خدایا به عظمت خویش در جویبار دلم

يَنَابِيعِ الخُشُوعِ وَآجِرِ اللَّهُمَّ لِهَيْبَتِكَ مِنْ أَمَاقِي زَفَرَاتِ الدَّمُوعِ

چشمه های خشوع و جاری ساز خدایا برای هیبت از گونه هایم مشکهای اشک

وَأَدَبِ اللَّهُمَّ نَزَقَ الخُرْقِ مِئِي يَا زَمَّةَ الغُنُوعِ إِلَهِي إِنْ لَمْ تَبْتَدِئَنِي

و ادب کن خدایا سبک مغزی و تندخویی مرا به مهارهای قناعت (یا خواری در سؤ ال (خدایا اگر در ابتدا

الرَّحْمَةَ مِنْكَ يَحْسُنُ التَّوْفِيقِ فَمَنْ السَّالِكُ بِي إِلَيْكَ فِي وَاضِحِ

رحمت تو از روی حسن توفیق به سراغ من نمی آمد پس چه کسی بود که مرا در این

الطَّرِيقِ وَإِنْ أَسَلَمْتَنِي أَنَا تَكِ لِقَائِدِ الأَمَلِ وَالْمُنَى فَمَنْ الْمُقْبِلُ

راه روشن بسویت آرد و اگر حلم و بردباری تو مرا بدست آرزو و میل سرکش سپارد پس چه کسی

عَثَرَاتِي مِنْ كِبَاوَةِ الهَوَى وَإِنْ خَذَلَنِي نَصْرُكَ عِنْدَ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ

لغزشهای مرا از زمین خوردنهای هوا و هوس نادیده بگیرد و اگر در هنگام جنگ با نفس

وَالشَّيْطَانِ فَقَدْ وَكَلَنِي خِذْلَانُكَ إِلَى حَيْثُ النَّصَبِ وَالْجِرْمَانِ إِلَهِي

و شیطان یاری تو نباشد مسلماً همان یاری نکردنت مرا بدست رنج و حرمان سپارد خدایا

أَتْرَانِي مَا أَتَيْتَكَ إِلَّا مِنْ حَيْثُ الأَمَالِ أَمْ عَلِقْتُ بِأَطْرَافِ حِبَالِكَ إِلَّا

تو بخوبی مرا می بینی که نزدت نیامدم جز از راه آرزوها (و آنها بود که مرا به درگاهت آورد) یا شده که بسر رشته های فضل

حِينَ بَاعَدْتَنِي ذُنُوبِي عَنْ دَارِ الوَصَالِ فَيُنْسِ المَطِيئَةَ الَّتِي امْتَطَتُ

و کرمت چنگ زدم جز وقتی که گناهانم مرا از خانه وصال دور سازد پس چه بد مرکبی است این مرکب

نَفْسِي مِنْ هَوَاهَا فَوَاهَا لَهَا لِمَا سَوَّلَتْ لَهَا طُنُونُهَا وَمَنَاهَا وَتَبَّأَ لَهَا

هوا و هوس که نفس من بر آن سوار شده پس وای بر این نفس که گمانهای باطل و آرزوهای بیجایش در نزد او جلوه کرد و

لِجِرَّاتِهَا عَلَى سَيِّدِهَا وَمَوْلِيهَا إِلَهِي قَرَعْتُ بِأَبِ رَحْمَتِكَ بِيَدِ

نابود باد که بر آقا و مولای خویش دلیری کرد خدایا من در رحمتت را بدست امیدم

رَجَائِي وَهَرَبْتُ إِلَيْكَ لِأَجْنَأٍ مِنْ قَرَطِ أهْوَائِي وَعَافَتُ بِأَطْرَافِ

کوییدم و از فرط هواهای نفسانی به حال پناهندگی بسوی تو گریختم و بند کردم بسر رشته های

حِبَالِكَ أَنَامِلَ وَلَائِي قَاصِّحَ اللَّـهِ هُمْ عَمَّا كُنْتُ أُجْرِمُهُ مِنْ زَلِّي

کرمت انگشتان دوستی ام را پس درگذر خدایا از جرمهایی که من از روی لغزش

وَخَطَائِي وَأَقْلِنِي مِنْ صَرَعَةِ [رِدَائِي] فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ

و خطا کردم و نگاهم دار از حمله بیماریم (که دچار گشته ام) زیرا که تویی آقا و مولایم

وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي وَأَنْتَ غَايَةُ مَطْلُوبِي وَمُنَايَ فِي مُنْقَلَبِي

و تکیه گاه و امیدم و تویی منتهای خواسته و آرمانم در دنیا

وَمَثْوَايَ إِلَهِي كَيْفَ تَطْرُدُ مِسْكِينًا اتِّجَاءَ إِلَيْكَ مِنَ الدُّنُوبِ هَارِبًا

و عقبایم خدایا چگونه برانی از درگاهت بیچاره ای را که در حال فرار از گناهان به تو پناه آورده

أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ مُسْتَرْشِدًا قَصَدَ إِلَيَّ جَنَائِكَ سَاعِيًا أَمْ كَيْفَ تَرُدُّ

یا چگونه نومید سازی راه جویی را که شتابان آهنگ حضرت تو را کرده یا چگونه بازگردانی

طَمَّانًا وَرَدَّ إِلَى حِيَاضِكَ شَارِبًا كَلًّا وَحِيَاضُكَ مُتْرَعَةً فِي صَنِّكَ

تشنه ای را که برای نوشیدن (آب) بر سر حوضهای تو آمده نه هرگز چنین خواهی کرد با اینکه حوضهای پرفیضت

الْمُحُولِ وَبَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلطَّلَبِ وَالْوُغُولِ وَأَنْتَ غَايَةُ الْمَسْئُولِ

در سخت ترین خشکسالیها لبریز است و در خانه ات برای خواستن و ورود در آن باز است و تویی انتهای خواسته

وَنَهَايَةُ الْمَأْمُولِ إِلَهِي هَذِهِ أَرْمَةٌ نَفْسِي عَقَلْتُهَا يَعْقَالِ مَشِيَّتِكَ

(خواستاران) و منتهای آرزوی (آرزومندان) خدایا این مهارهای نفس من است که به پای بند مشیت تو آنها را بستم

وَهَذِهِ أَعْبَاءُ ذُنُوبِي دَرَأْتُهَا يَعْفُوكَ وَرَحْمَتِكَ وَهَذِهِ أَهْوَاؤِي الْمُضِلَّةُ

و این است بارهای سنگین گناهانم که به امید عفو و رحمتت بر زمین نهادم و این است هوسهای گمراه کننده ام

وَكَلَّتْهَا إِلَى جَنَابِ لُطْفِكَ وَرَأْفَتِكَ فَاجْعَلِ اللَّهُمَّ صَبَاحِي هَذَا نِزَالًا

که به آستان لطف و مهرت سپردم پس ای خدا این بامداد مرا چنان مقرر کن

عَلَيَّ يَضِيَاءُ الْهُدَى وَبِالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا وَمَسَائِي جَنَّةً مِنْ

که با انوار هدایت و سلامت در دین و دنیا بر من فرود آید و شامم را سپری از

كَيْدِ الْعِدَى وَوَفَايَةٍ مِنْ مُرْدِيَاتِ الْهَوَى إِنَّكَ قَادِرٌ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ

نیرنگ خطرناک دشمنان و پناهگاهی از پرتگاههای هوا و هوس قرار ده که تو بر هر چه بخواهی

تُوْنِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ

توانایی ملک و سلطنت را به هر که خواهی می دهی و از هرکه خواهی برگیری و عزت دهی هر که را خواهی

وَنُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ

و خوار کنی هر که را خواهی همه خوبیها بدست تو است و تو بر هر چیز توانایی شب را

فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ

در روز فرو بری و روز را در شب درآوری زنده را از مرده بیرون آوری و مرده را

وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ لَا إِلَهَ إِلَّا

از زنده برون آری و به هر که خواهی بی حساب روزی دهی معبودی جز تو نیست

أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَيَحْمَدُكَ مَنْ ذَا يَعْرِفُ قَدْرَكَ فَلَا يَخَافُكَ

منزهی تو خدایا و حمد تو را گویم کیست که قدر تو را بشناسد و از تو نترسد

وَمَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا أَنْتَ فَلَا يَهَابُكَ أَلْفَتْ يَقْدِرَتِكَ الْفِرْقَ وَفَلَقْتَ

و کیست که بداند تو کیستی و از تو نهراسد تو با قدرت خویش جداها را با هم جمع کردی

يَلْطُفُكَ الْفَلَقَ وَأَنْزَلْتَ يَكْرَمِكَ دِيَاجِي الْعَسَقِ وَأَنْهَرْتَ الْمِيَاهَ مِنْ

و به لطف خویش سپیده دم را شکافتی و بکرم خود تاریکیهای شدید شب را روشن کردی و روان کردی آبهای شیرین و

الصَّمِّ الصَّيَاخِيدِ عَذْبًا وَأَجَاغًا وَأَنْزَلْتَ مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً تَجَاغًا

شور را از دل سنگهای سخت و محکم و فرو ریختی از ابرهای فشرده آبی ریزان و فراوان ،

وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِلْبَرِّيَّةِ سِرَاجًا وَهَاجًا مِنْ غَيْرِ أَنْ تُمَارَسَ

و قرار دادی خورشید و ماه را برای مردمان چراغی فروزان بدون آنکه در آنچه بدان آغاز کردی (در آفرینش) دچار

فِي مَا ابْتَدَأْتَ بِهِ لُغُوبًا وَلَا عِلَاجًا فَيَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ وَالْبَقَاءِ وَقَهَرَ

خستگی و تعب گردی یا به چاره جویی محتاج شوی ای آنکه در عزت و بقاء یگانه است و بندگانش را بوسیله

عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَتْقِيَاءِ وَأَسْمَعُ

مرگ و نابودی مقهور خویش کرده درود فرست بر محمد و خاندان پرهیزکارش و فریاد مرا

يَدَائِي وَأَسْتَجِبْ دُعَائِي وَحَقِّقْ يَفْضْلِكَ أَمَلِي وَرَجَائِي يَا خَيْرَ مَنْ

بشنو و دعایم را به اجابت مقرون ساز و به فضل خویش آرزو و امید مرا تثبیت کن ای بهترین کسی که

دُعِيَ لِكَشْفِ الضَّرِّ وَالْمَأْمُولِ لِكُلِّ عُسْرٍ وَيُسْرُ يَكْ أَنْزَلْتُ حَاجَتِي

خوانده شدی برای برطرف ساختن گرفتاری و آرزو شده ای برای هر سختی و آسانی فرود آوردم بار حاجتم را بدرگاہت

فَلَا تَرُدَّنِي مِنْ سِنِي مَوَاهِيكَ خَائِبًا يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ

پس مرا از عطایای عالی (و سنگین قیمت) خود ناامید باز مگردان ای کریم ای کریم ای کریم

يَرْحَمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ

به رحمت خود ای مهربانترین مهربانان و درود خدا بر بهترین آفریدگانش محمد و آل او

اَجْمَعِينَ پس به سجده برود و بگوید: اِلٰهِي قَلْبِي مَحْجُوْبٌ وَنَفْسِي مَعْيُوْبٌ

همگی * * * * * خدایا دلم در پرده است و نفسم معیوب

وَعَقْلِي مَعْلُوْبٌ وَهَوَاتِي غَالِبٌ وَطَاعَتِي قَلِيْلٌ وَمَعْصِيَتِي كَثِيْرٌ

و عقلم مغلوب است و هوای نفس بر من چیره است و طاعتم اندک و گناهانم بسیار است

وَلِسَانِي مُقْرٌ بِالدُّنُوْبِ فَكَيْفَ حَيْلَتِي يَا سَتَّارَ الْغُيُوْبِ وَيَا عَلَّامَ

و زبانه به گناهان اقرار دارد پس چاره امر چیست ای پرده پوش عیبها و ای دانای

الْغُيُوْبِ وَيَا كَاشِفَ الْكُرُوْبِ اِغْفِرْ دُنُوْبِي كُلَّهَا يَحْرِمَةَ مُحَمَّدٍ وَّآلِ

نادیدنیها و ای برطرف کننده اندوهها بیامرز همه گناهانم را به حرمت محمد و آل

مُحَمَّدٍ يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ يَرْحَمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

محمد ای آمرزش پیشه ای بسیار آمرزنده ای بسیار آمرزنده به رحمتت ای مهربانترین مهربانان

مؤلف گوید: که علامه مجلسی (ره) این دعا را در کتاب دعای بحار و در کتاب صلوة با بیان ذکر نموده و فرموده که این دعا از ادعیه مشهوره است و من در کتب معتبره آنرا نیافتیم مگر در مصباح سیدین باقی رضوان اللّٰه علیہ و نیز فرموده مشهور خواندن این دعا است بعد از فریضه صبح و سید بن باقی روایت کرده آنرا بعد از نافله صبح و بهر کدام عمل شود خوب است